



The Requirements for the Realization of the Nationalism in view of Imam Hassan Askari (A.S.)

Zahra Soleimani¹ Asghar Montazar al-Qaem²

1. Assistant professor of Islamic Sciences, Farhangian University, Tehran, Iran. Email: z.soleimani_cfu.ac.ir
2. Professor of history department, Isfahan University. Email: Ltr.ui.ac.ir

Abstract:

Leadership in Islamic thought is based on the macro-theory of "nation" and it has defined the horizon of governance in the Islamic societies. Therefore, the issue of nation and nationalism has been specifically considered in the conduct of the Messenger of God (PBUH) and Imams (PBUT). The present research is to answer the question on what are the requirements for the realization of nationalism from the perspective of Imam Hassan Askari (A.S.).

Taking advantage of the descriptive-analytical method, the article investigates the requirements for the realization of nationalism as a central and constant thought in the interaction with various currents from the perspective of that Holiness. The findings of the research clarify that the essential components for realizing the process of nationalism in the conduct of that holiness include "peaceful coexistence along with affection and tolerance", "no obvious divergence with the caliphs", "developing solidarity and internal discourse among Muslims based on common Islamic principles", "Prohibition of heretics", "Negation of violence" and "acquittance of the extremists" led by the Divine Imamate. Imam's emphasis as a religious leader on the issue of nationalism, theoretically and practically, can be considered as a strategic paradigm in developing a united nation in the current situation of the Islamic world.

Keywords: Imam Hassan Askari (AS), nationalism, relations of Shiites with others, intellectual currents, unity, strategy.

61

Article Info:

Article type: Research Article

Article history: *Received* April, 13, 2020

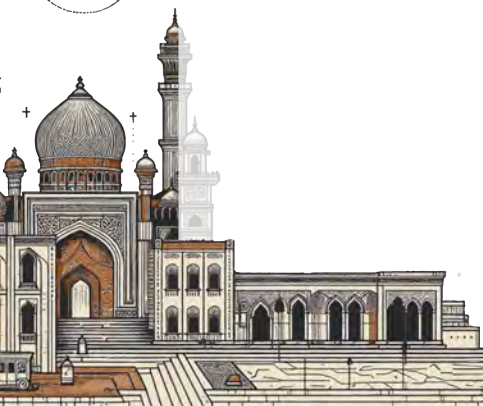
Received in revised form January, 04, 2021

Accepted January, 17, 2021

Published online September, 22, 2024

Cite this article:

Soleimani, Z., Montazar al-Qaem, A. (2024). The Requirements for the Realization of the Nationalism in view of Imam Hassan Askari (A.S.). *History of Islam*, 25(3), 61-88.
<https://doi.org/10.22081/hiq.2022.59079.2099>



Bagher Al-Olum University



ISSN 2783-414X



متطلبات تحقيق عملية الأُمّية من منظور الإمام العسكري عليه السلام

زهراء سليمانيان^١ أصغر منتظر القائم^٢

١. أستاذ مساعد، قسم الدراسات الإسلامية، جامعة فرهنجيان، طهران، إيران. البريد الإلكتروني: z.soleimani@cfu.ac.ir
٢. أستاذ قسم التاريخ، جامعة أصفهان، إيران. البريد الإلكتروني: montazer@tr.ui.ac.ir

الملخص:

إن القيادة في الفكر الإسلامي تقوم على نظرية "الأمة" الكلية، التي حددت أفق الحكم في المجتمعات الإسلامية. ولذلك، فإن قضية الأمة والأُمّية كانت دائماً موضع اهتمام خاص في سيرة رسول الله ﷺ والأئمة عليهم السلام. ويأتي البحث الحالي للإجابة على هذا السؤال أنه ما هي متطلبات تحقيق عملية الأُمّية من منظور الإمام العسكري عليه السلام؟

وتعتمد هذه المقالة على المنهج الوصفي - التحليلي لدراسة متطلبات تحقيق الأُمّية كفكرة مركزية وثابتة في التفاعل مع التيارات المختلفة من وجهة نظر الإمام العسكري عليه السلام. وتشير نتائج البحث إلى أن المقومات الأساسية لتحقيق عملية الأُمّية في حياة الإمام العسكري عليه السلام تشمل "التعايش السلمي مع المحبة والتسامح"، و"عدم الاختلاف الواضح مع الخلفاء"، و"خلق التضامن والحوار الداخلي بين المسلمين على الأسس الإسلامية المشتركة"، و"تحريم أصحاب البدع"، و"نبذ العنف" و"البراءة من الغلاة" تقودها الإمامة الإلهية. إن تركيز الإمام العسكري عليه السلام كزعيم ديني على مفهوم الأُمّية من الناحية النظرية والعملية يمكن اعتباره نموذجاً استراتيجياً لتشكيل أمة واحدة في الوضع الراهن للعالم الإسلامي.

الكلمات المفتاحية: الإمام الحسن العسكري عليه السلام، الأُمّية، علاقات الشيعة مع الآخرين، التيارات الفكرية، الوحدة، الاستراتيجية.

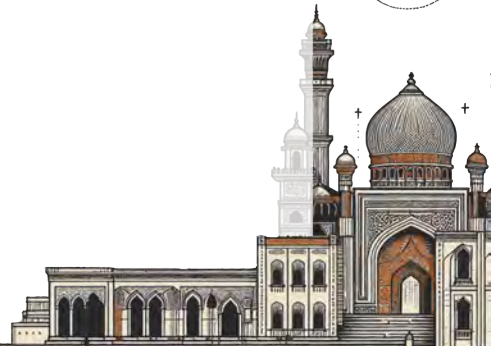
اطلاعات المقالة:

نوع المقالة: بحثية

تاريخ الاستلام: ٢٠٢٠/٠٤/١٣ | تاريخ المراجعة: ٢٠٢١/٠١/٠٤ | تاريخ القبول: ٢٠٢١/٠١/١٧ | تاريخ النشر: ٢٠٢٤/٠٩/٢٢

استشهاد به هذا المقال:

سليمانيان، زهراء؛ منتظر القائم، أصغر (٢٠٢٤). متطلبات تحقيق عملية الأُمّية من منظور الإمام العسكري عليه السلام. تاريخ الإسلام، ٣٥(٣)، ٦١-٨٨.
<https://doi.org/10.22081/hq.2022.59079.2099>



باسم قرآنكم



ISSN إلكتروني
٢٧٨٣-٤١٤٣

الناشر: جامعة باقر العلوم عليه السلام. © المؤلفون.



الزام‌های تحقق فرایند امت‌گرایی از دیدگاه امام عسکری علیه السلام

زهرا سلیمانی^۱ اصغر منتظرالقائم^۲

۱. استادیار گروه معارف اسلامی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران، رایانامه: z.soleimani@cfu.ac.ir

۲. استاد گروه تاریخ دانشگاه اصفهان، ایران، رایانامه: montazer@ltr.ui.ac.ir

تاریخ اسلام || سال بیست و پنجم، شماره نود و نهم، مهر ۱۴۰۳

چکیده:

زاماداری در اندیشه اسلامی، مبتنی بر کلان‌نظریه «امت» پی‌ریزی شده و وفق حاکمیت را در جوامع اسلامی مشخص نموده است. از این‌رو، موضوع امت و امت‌گرایی، همواره به شکل ویژه در سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه علیهم السلام مد نظر بوده است. پژوهش حاضر، برای پاسخ به این پرسش سامان یافته است که الزام‌های تحقق فرایند امت‌گرایی از دیدگاه امام عسکری علیه السلام کدام‌اند؟ مقاله پیش رو، با روش وصفی - تحلیلی به بررسی الزام‌های تحقق امت‌گرایی به‌عنوان اندیشه محوری و اصلی ثابت در تعامل با جریان‌های مختلف از دیدگاه آن حضرت می‌پردازد. یافته‌های پژوهش، نشانگر آن است که مؤلفه‌های ضروری تحقق فرایند هویت‌بخش امت‌گرایی در سیره آن حضرت، در بردارنده «همزیستی مسالمت‌آمیز توأم با محبت و مدارا»، «عدم واگرایی آشکار با خلفا»، «ایجاد همبستگی و گفت‌وگو درونی مسلمانان بر اساس اصول مشترک اسلامی»، «تحریم بدعت‌گذاران»، «نفی خشونت‌گرایی» و «برائت از غالیان» به رهبری امامت الهی می‌باشد. تأکید حضرت به‌عنوان رهبر دینی بر موضوع امت‌گرایی به صورت نظری و عملی، می‌تواند به‌عنوان الگویی راهبردی در ایجاد امت واحد در موقعیت کنونی جهان اسلام مورد توجه قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها: امام حسن عسکری علیه السلام، امت‌گرایی، روابط شیعیان با دیگران، جریان‌های فکری، وحدت، راهبرد.

اطلاعات مقاله:

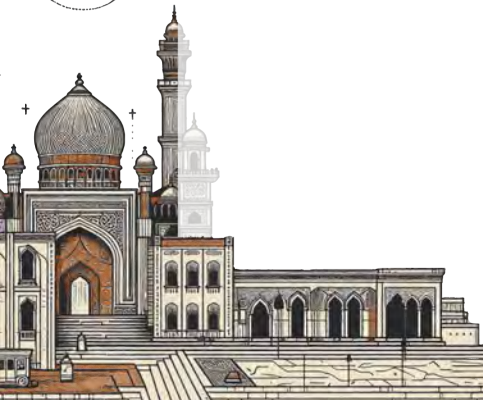
نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۷/۲۵ | تاریخ بازنگری: ۱۳۹۹/۱۰/۱۵ | تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۰/۲۸ | تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۷/۰۱



استناد:

سلیمانی، زهرا؛ منتظرالقائم، اصغر (۱۴۰۳). الزام‌های تحقق فرایند امت‌گرایی از دیدگاه امام عسکری علیه السلام. تاریخ اسلام، ۶۱-۸۸. <https://doi.org/10.22081/hiq.2022.59079.2099>





مقدمه

زمانه امامت امام عسکری علیه السلام (۲۶۰-۲۵۴ق)، از حساس‌ترین دوره‌های امامت ائمه معصوم علیهم السلام، هم از جنبه مذهبی و هم سیاسی بود. فشار حکومت در ایجاد محدودیت شدید برای آن حضرت و شیعیانش،^۱ بروز بحران‌های فکری و عقیدتی و وقوع شورش‌های مختلف علیه دستگاه خلافت،^۲ تسلط ترکان بر امور و عدم اقتدار سیاسی خلفا، فساد اداری و اجتماعی، خرید و فروش مقامات، عدم توجه به وضعیت رفاه مردم، ستمگری و زورگویی در گردآوری خراج، سرکوب اعتراض‌ها و انتقادها، آزار و شکنجه مخالفان دستگاه خلافت،^۳ شیوع شبهات در جامعه و ایجاد انحراف عقیدتی در میان امت توسط صاحب‌اندیشان،^۴ نابسامانی حکومت و تجزیه آن به واسطه استقلال‌طلبی حکام در شرق و غرب جهان اسلام،^۵ فعالیت گروه‌های درون‌مذهبی در جهت تمایلات منفعت‌طلبانه^۶ و نیز حضور و فعالیت جریان‌های دینی غیراسلامی در جامعه،^۷ از ویژگی‌هایی این دوره بود. در این شرایط حساس تاریخی، آن حضرت ضمن تلاش در تثبیت مکتب امامیه و استوار ساختن پایه‌های اعتقادی این مذهب، بر امت‌گرایی تأکید داشت.

موضوعی که نوشتار حاضر به روش توصیفی - تحلیلی با تحلیل مفاهیم اصلی چون: امت، وحدت و امت‌گرایی و با استفاده از منابع اصلی کتابخانه‌ای در صدد طرح و تبیین آن برآمده، بررسی الزام‌های تحقق امت‌گرایی از دیدگاه امام عسکری علیه السلام می‌باشد. فرضیه مقاله، آن است که امام عسکری علیه السلام با درک شرایط سیاسی و اجتماعی زمانه و بر مبنای اندیشه‌های بنیادین اسلامی، ایده امت‌گرایی را به‌عنوان اصلی ثابت در تعامل با جریان‌های مختلف مورد توجه قرار داد و پیامد آن، ارائه الگویی در راستای حفظ وحدت و امت‌گرایی به جهان اسلام می‌باشد.

۱. طبری، تاریخ الطبری، ج ۹، ص ۱۶۳؛ یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۴۸۴.
۲. مسعودی، مروج الذهب، ج ۴، ص ۱۱۱ و ۱۱۹؛ یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۵۰۵-۵۰۸.
۳. یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۵۰۵-۵۱۰؛ طبری، تاریخ الطبری، ج ۹، ص ۴۳۸، ۴۳۹ و ۴۵۶-۴۶۰.
۴. ابن‌شهر آشوب، مناقب آل ابیطالب، ج ۴، ص ۴۲۴.
۵. ابن‌اثیر، الکامل، ج ۷، ص ۱۲۶ و ۲۳۸؛ اصفهانی، مقاتل الطالبیین، ص ۵۲۸.
۶. ابن‌شهر آشوب، مناقب آل ابیطالب، ج ۴، ص ۴۲۸؛ کشی، رجال الکشی، ص ۵۷۳ و ۵۷۴.
۷. اربلی، کشف الغمّة، ج ۲، ص ۴۲۹.





پیشینه پژوهش

در زمینه پیشینه تحقیق، مقاله «سیره امام حسن عسکری علیه السلام در مبارزه با فرقه‌سازی‌ها و تفرقه‌ها» از خلیل منصوری فاقد استناددهی مناسب و فقط در چهار صفحه تنظیم شده است. جی. الیاش،^۱ نویسنده مقاله «امام حسن بن علی العسکری» در معرفی امام عسکری علیه السلام، به بررسی نام و القاب، تاریخ تولد، کنترل حضرت در سامرا، بیماری، وفات و اختلاف شیعه بر سر مسئله امامت پس از ایشان اشاره کرده است. اگرچه تعصبات ضدّ شیعی در نگاشته وی محسوس نیست، اما این مدخل، اطلاعات اندک و ناقصی در باره شخصیت فردی و اجتماعی امام عسکری علیه السلام ارائه کرده است؛ چنان‌که تبیین دوره حساس امامت آن حضرت، چگونگی رهبری شیعه، آموزه‌های امام در موضوع وحدت و نقش امام در واکنش به جریان‌ها و تحولات اجتماعی و فکری - فرهنگی، مغفول مانده است.



مقاله «مواضع و اقدامات سیاسی امام حسن عسکری علیه السلام در برابر خلافت عباسی» از احمد رضا بهنیاfer، با وجود اینکه در زمینه اقدامات امام عسکری علیه السلام در مواجهه با خلفا نوشته‌ای درخور توجه می‌باشد، اما فاقد توجه به موضوع نوشتار حاضر است. منذر حکیم در جلد سیزدهم پیشوایان هدایت، به‌اختصار به مواجهه امام عسکری علیه السلام با برخی جریان‌های فکری پرداخته؛ اما در زمینه نظریه امت‌گرایی حضرت، مطلبی ارائه نداده است. «با خورسید سامرا» از محمد جواد طبسی، اثری است در تبیین شخصیت و اوضاع زمانه آن حضرت؛ اما مقوله وحدت از دیدگاه امام مورد توجه واقع نشده است. تمرکز رسول جعفریان مؤلف «حیات فکری و سیاسی امامان شیعه» در بخشی از این اثر، بیان موقعیت امام عسکری علیه السلام در سامرا، تبیین روابط امام با شیعیان و حفظ میراث فرهنگی شیعه می‌باشد و مطلبی در زمینه امت‌گرایی بیان نکرده است. بنابراین، موضوع نوشتار حاضر، فاقد سابقه پژوهشی در میان کتب و مقالات می‌باشد.

1. J.Eliash.





ضرورت و اهمیت پژوهش

به یقین، بهترین مجریان اهداف راهبردی اسلام، رسول الله ﷺ و ائمه اطهار هستند. ماهیت دین اسلام و نظریه بنیادین امت، اقتضای شناخت نظریات و عملکرد ائمه اطهار را جهت تشکیل امت اسلامی دارد. بر اساس پژوهش حاضر، امام عسکری علیه السلام با وجود شرایط خاص زمانه، تلاش قابل توجهی در راستای تحقق این راهبرد حیاتی ایفا نمود. دستاورد این تحقیق و آگاهی به الزام‌های تحقق امت واحده از دیدگاه آن حضرت، می‌تواند به‌عنوان الگویی برای سیاست‌گذاران مذهبی، فرهنگی، علمی و اجتماعی جهان اسلام مورد توجه قرار گیرد.

مفاهیم نظری

۱. مفهوم امت

امت، اصطلاحی قرآنی و دینی بوده و به گروه خاصی از پیروان یک دین به سبب همسانی در نوع خاصی از عملکرد و رویکرد فکری گفته می‌شود.^۱ این واژه در اصل و ریشه لغوی، به معنای قصد و توجه پیدا کردن به سوی یک هدف مطلوب و راه مستقیم است.^۲ عده‌ای «امت» را به معنای مردم، اجتماع، گروه، اجتماع مسلمانان، جامعه مؤمنان، اجتماعی که تسلیم و مطیع خداست و دولت و حکومتی که تحت حاکمیت خدا قرار دارد، به‌کار برده‌اند.^۳ بر اساس تعریفی دیگر، «امت» عبارت است از جامعه‌ای که افرادش تحت یک رهبری بزرگ و متعالی، مسئولیت پیشرفت و کمال فرد و جامعه را با خون و اعتقاد و حیات خود حس می‌کنند.^۴ در فقه سیاسی اسلام، منظور از امت، جماعتی دارای وحدت فکری - اعتقادی است و عنصر جمعیت دولت اسلامی را همین امت تشکیل می‌دهد که دارای رابطه اعتقادی مبتنی بر اسلام است.^۵ واژه امت، با معانی:

۱. لویی گارده، اسلام: دین و امت، ص ۲۸۶.

۲. ابن‌منظور، لسان العرب، ج ۱۲، ص ۲۲.

۳. احمدی، مفهوم‌شناسی امت در قرآن و اجتماع، ص ۵۱.

۴. شریعتی، فرهنگ لغات، ص ۲۵۶.

۵. به نقل از: غمامی، قدرت نرم نظم: اساس جمهوری اسلامی ایران در تحقق آرمان وحدت اسلامی، ص ۱۳۴.





جامعه، ملت، کشور و وطن، تفاوت اساسی و بنیادین دارد؛ چون در این موارد، ملاک در ویژگی‌های نژادی، جغرافیایی و ملی است؛ در حالی که در امت اسلامی، معیار اصلی، وحدت عقیدتی، فرهنگی و جهان‌بینی دینی است. بنابراین، در اندیشه تمدنی اسلام که در مفهوم امت متبلور است، محدودیت‌ها و مرزبندی‌های جغرافیایی و مکانی، تعصبات قومی و نژادی و زبانی نقشی ندارد؛ بلکه معیار در امت اسلامی، وحدت عقیدتی و التزام به تعالیم جهانی قرآن کریم می‌باشد.^۱ البته فراملی بودن مفهوم امت، به مفهوم نفی کلی مفهوم و کارکرد ملیت یا ضدیت با آن نیست؛ بلکه آن دسته از تعصبات ملی که با ارزش‌های دینی یا انسانی در تعارض اند، نفی می‌گردند.

۲. مفهوم وحدت

وحدت در لغت، به معنای یگانگی، یکپارچگی و یکی شدن است^۲ و در اصطلاح، به معنای همبستگی و همراهی در مسیر واحد برای رسیدن به مقصدی واحد است.^۳

۳. مفهوم امت‌گرایی

امت‌گرایی، به معنای به‌کارگیری همه امکانات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی یک فرد و جامعه در راستای تحقق و استحکام و تداوم امت است؛ زیرا وحدت، موجب همبستگی اجتماعی و زدودن اختلافات و به‌کارگیری همه امکانات در راستای استحکام امت خواهد شد.^۴

امت‌گرایی در سیره امام عسکری علیه السلام

امام عسکری علیه السلام در فرایند تحقق امت‌گرایی، ناگزیر به مواجهه با جریان‌های فکری زمانه خود بود که شامل دو گروه عمده جریان‌های اسلامی و غیراسلامی می‌باشد.

۱. منتظر القائم، «منظومه فکری امیرمؤمنان در فرایند امت‌گرایی در نهج البلاغه»، مجموعه هادی‌نامه، ص ۷۰۰.

۲. جوهری، الصحاح تاج اللغة وصحاح العربية، ج ۲، ص ۵۴۷.

۳. جمشیدی، «چیستی و ماهیت وحدت و همبستگی در اندیشه امام خمینی علیه السلام»، پژوهشنامه متین، ش ۲۷، ص ۵۲.

۴. منتظر القائم، «منظومه فکری امیرمؤمنان در فرایند امت‌گرایی در نهج البلاغه»، مجموعه هادی‌نامه، ص ۶۹۹.





۱. جریان‌های اسلامی

- جریان‌های فکری شیعی، مانند: زیدیه، اسماعیلیه، غلات، واقفیه و... . پیدایش این جریان‌ها، نتیجه کم‌ظرفیتی سیاسی و گاه رقابت‌هایی از میان پیروان و فرزندان اهل‌بیت علیهم‌السلام بود. این گروه‌ها، به‌ویژه غالیان، حتی نسبت به مخالفان غیرشیعی، گرفتاری‌های سخت‌تری را برای ائمه علیهم‌السلام پدید می‌آوردند و در تضعیف جایگاه مکتب اهل‌بیت علیهم‌السلام تأثیر بسزایی داشتند.

- جریان‌های فکری سنی: این جریان، بدنه اصلی جامعه را تشکیل می‌داد و شامل دو گروه عمده است:

- جریان‌های فقهی اهل‌سنت، شامل: جریان‌های شافعی، حنفی، مالکی و حنبلی. اینان در کاربردهای تاریخی، با اسامی خاصی نظیر: «اهل حدیث»، «جماعت»، «عامه» و با گذشت زمان، همگی آنان با عنوان «اهل‌سنت» شناخته شده‌اند.^۱ رویکرد این گروه، تأکید بر حجیت سیره صحابه، به‌ویژه شیخین بود و مقوله تقویت اقتدار نظام حاکم، یکی از اصول اینان گردید. با این همه، این گروه نوعاً نه عنادی با اهل‌بیت داشتند و نه دلبستگی به مکتب آنان. بنابراین، دغدغه امت‌گرایی ائمه علیهم‌السلام با این گروه، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده است.

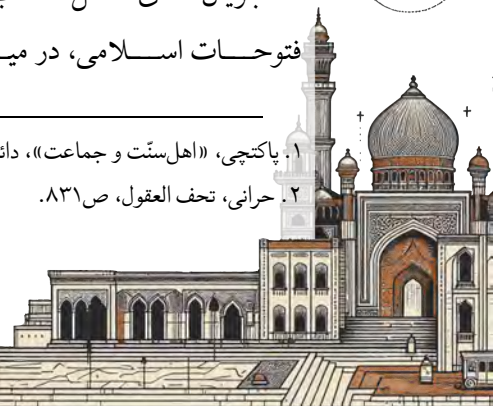
- جریان‌های کلامی اهل‌سنت، شامل: جریان‌های خوارج، جبریه، قدریه، معتزله و ظاهریه. اگرچه برخی اندیشه‌های گروه‌های مذکور همچون معتزله مورد سوءاستفاده حاکمان وقت واقع شد، اما در مجموع، آنان به‌عنوان یک گروه کلامی، از حمایت سیاسی قابل توجهی برخوردار نبودند. ائمه علیهم‌السلام نیز در مواجهه با ایشان، به تبیین موضوعات کلامی، نظیر: جبر و اختیار، مسئله خلق قرآن، حقانیت و عدم تحریف قرآن، اهتمام داشتند.^۲

۲. جریان‌های غیراسلامی

- جریان‌های اهل کتاب، شامل: یهود، نصارا و مجوس. اهل کتاب از دوره فتوحات اسلامی، در میان مسلمانان، اسرئیلیات و شبهات گوناگونی را

۱. پاکتچی، «اهل‌سنت و جماعت»، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۰، ص ۴۷۴-۴۷۵.

۲. حرانی، تحف العقول، ص ۸۳۱.





می‌پراکندند و حضور فرهنگی و تبلیغی‌شان، زمینه‌ساز گسترش طیف وسیعی از شبهات و آموزه‌های غیراسلامی در میان مسلمانان شده بود.^۱ با وجود قاطعیت ائمه علیهم السلام در مبارزه با رواج چنین اندیشه‌هایی، اما عموماً برخورد با اینان همراه سعه‌صدر، هدایت‌گرانه و به دور از خشونت بود.^۲

- جریان‌های غیردینی، شامل: گروه‌های زنادقه و دهریه. فعالیت گروه‌هایی مانند زندیقان و دهریون، باعث بروز شبهات و تردیدهایی در برخی باورهای اسلامی همچون معاد و توحید شده بود.^۳ رفتار ائمه علیهم السلام با این گروه، حکیمانه و بردبارانه بود.^۴

حضور فعال و گاه شبهه‌افکنانه و واگرایانه برخی جریان‌های فکری، رسوخ انحرافات در باورهای مردم و حساسیت این دوره تاریخی، منجر به تلاش امام عسکری علیه السلام در شبهه‌زدایی و نزدیک کردن گروه‌های اجتماعی و فرهنگی و ایجاد و تقویت وحدت امت گردید.

الزام‌های تحقق و تحکیم فرایند امت‌گرایی از منظر امام عسکری علیه السلام

۱. همزیستی مسالمت‌آمیز توأم با محبت و مدارا

توصیه امام عسکری علیه السلام برای امت‌گرایی و همکاری مسلمانان در سطح کلان، تعامل و همزیستی مسالمت‌آمیز بود. مردم زمانه آن حضرت، اکثراً از اهل سنت بودند و اگرچه امام عسکری علیه السلام را از جهت فرزند پیامبر بودن، احترام می‌کردند، اما ایشان را امام و شخصیت واجب‌الاطاعه نمی‌دانستند؛ اما امام به شیعیان سفارش می‌نمود که با بهترین و زیباترین شیوه، با مخالفان اعتقادی خود برخورد

۱. یعقوبی، تاریخ الیعقوبی، ج ۲، ص ۴۰۰.

۲. قطب‌الدین‌راوندی، الخرائج والجرائح، ج ۱، ص ۴۲۲.

۳. مفید، الإرشاد، ج ۲، ص ۱۹۹-۲۰۰.

۴. همان، ص ۲۰۱-۲۰۲.





کنید؛ در نماز آنها حضور پیدا کنید، اگر بیمار شدند به عیادت آنان بروید، اگر از دنیا رفتند به تشییع جنازه ایشان بروید و با آنها با کمال ملاحظت و محبت برخورد کنید.^۱ بازتاب رویکرد محبت‌آمیز امام به این گروه، تداوم امت‌گرایی و پیوند مستحکم امت را در پی داشت؛ چنان‌که در منابع ذکر شده، روزهایی که امام به مقر خلافت می‌رفت، مسیر حرکت ایشان مملو از جمعیت می‌شد.^۲ اگرچه می‌توان بیشتر این افراد را شیعیانی دانست که از راه دور و نزدیک برای زیارت امام خود به سامرا می‌آمدند؛ اما روایت در واقع، ارادت سایر مردم را که عموماً از اهل سنت بودند، نسبت به حضرت نشان می‌دهد و همین موضوع، سبب افزایش جمعیت می‌گردید. امام عسکری علیه السلام با بیان اوصافی از شیعیان حقیقی فرمود:

«سعی کنید مایه زینت و آبروی ما باشید؛ نه مایه عیب ما. محبت‌ها را به سوی ما جلب کنید، زشتی‌ها را از ما دفع نمایید که هرگونه خوبی به ما نسبت دهند، ما اهلش هستیم و هر عیبی به ما اسناد دهند، ما از آن به دوریم.»^۳

این مهم، یعنی جذب محبت آحاد جامعه اسلامی به سوی نقطه‌ای واحد و مقدس به نام اهل‌بیت علیهم السلام که موصوف به صفاتی چون: حکمت، عصمت و عترت‌اند و در کنار قرآن کریم، نقش مهمی در زندگی مسالمت‌آمیز و انسجام امت اسلامی خواهد داشت؛ محبتی که ریشه‌ای عمیق در قرآن و احادیث اسلامی دارد؛ چنان‌که حدیث مورد اتفاق فرق اسلامی، یعنی «حدیث ثقلین» به آن اشاره دارد.^۴ جذب محبت مردم به سوی اهل‌بیت علیهم السلام و همزیستی مسالمت‌آمیز توأم با مهر و مدارا



۱. حرانی، تحف العقول، ص ۸۹۱.
۲. قطب‌الدین راوندی، الخرائج والجرائح، ج ۲، ص ۷۸۲؛ ابن شهر آشوب، مناقب آل ابیطالب، ج ۴، ص ۴۳۴؛ طوسی، الغیبة، ص ۲۱۵.
۳. طوسی، الغیبة، ص ۲۱۵.
۴. ابن حنبل، مسند احمد، ج ۱۷، ص ۱۷۰ و ۲۱۱؛ ابن بابویه، کمال‌الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص ۲۳۹.





با مردمی که از جهت اعتقادی با یکدیگر همخوانی ندارند، عامل وحدت است که امام عسکری علیه السلام با بیانی ریشه‌ای و تحلیلی، بدان پرداخته است.

امام عسکری علیه السلام در فرازی دیگر، اصل محبت به مردم را موجب تداوم امت‌گرایی دانسته‌اند. آن حضرت فرمود:

«با دوست و دشمن، خوش‌گفتار و خوش‌برخورد باشید.»

با دوستان مؤمن به‌عنوان یک وظیفه که باید همیشه نسبت به یکدیگر با چهره‌ای شاداب برخورد نمایند؛ اما نسبت به مخالفان به جهت مدارا و جذب به اسلام و احکام آن^۱ امام عسکری علیه السلام در برابر همه و حتی مخالفان، رفتار سنجیده‌ای داشت. شخصیت آن حضرت چنان بود که دوست و دشمن را تحت تأثیر قرار می‌داد. جعفر کذاب (م. ۲۷۱ق)، از برادران امام بود که رفتار شایسته‌ای با ایشان نداشت؛ اما حضرت همواره به او محبت می‌نمود.^۲ زندان‌بانان آن حضرت، با وجود سفارش رؤسای خود مبنی بر سختگیری به امام و با وجود حساسیتی که نسبت به آل محمد و آل علی داشتند، بعد از مدتی، تحت تأثیر رفتار حضرت، در مقابل ایشان خاضع شدند و به امامتش معتقد گشتند.^۳ در واقع، شخصیت اخلاقی و دینی آن حضرت به‌گونه‌ای بود که دوست و دشمن را تحت تأثیر قرار می‌داد. احمد بن عبیدالله بن خاقان (م. قرن سوم هجری)، عامل خلیفه در قم،^۴ ضمن اشاره به عفت، عظمت، بزرگواری و بخشش حضرت، ایشان را مورد احترام و ویژه تمام وزرا، اشراف، فرماندهان لشکر و دیگر مردم سامرا معرفی نمود و اظهار داشت هیچ‌کس از دوستان و دشمنان آن حضرت را ندیدم؛ جز آنکه به‌نیکویی در باره آن حضرت سخن می‌گفتند و او را می‌ستودند.^۵

۱. حسن بن علی، تفسیر المنسوب إلى الإمام الحسن العسکری علیه السلام، ج ۱، ص ۳۵۴.

۲. مسعودی، اثبات الوصیة، ص ۲۵۳.

۳. مفید، الإرشاد، ج ۲، ص ۳۳۴؛ کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۵۱۲.

۴. مفید، الإرشاد، ج ۲، ص ۳۲۱.

۵. همان.



۲. عدم تقابل عملی با خلفا

امام عسکری علیه السلام، آگاه‌ترین فرد جامعه بود و این مسئله، در کلام و رفتار خلیفه،^۱ وزرا^۲ و دانشمندان معاصر حضرت^۳ مورد تأیید قرار گرفت و از طرفی، با استدلال‌ها و پاسخ‌هایی که در گفت‌وگو با دانشمندان و داعیه‌داران می‌داد، برتری و حقانیت خود را برای رهبری سیاسی اسلام ثابت نمود؛^۴ ولی در مقابل حوادث گوناگون، هیچ‌گاه رفتاری تفرقه‌افکنانه و فرصت‌طلبانه از خود نشان نداد؛ حوادثی مانند: نابسامانی سیاسی دستگاه خلافت؛ شورش خوارج به رهبری مساوربن عبدالحمید شاری (م. ۲۶۱ق) در حوالی موصل؛^۵ شورش صاحب‌الزنج (م. ۲۷۰ق)؛^۶ شورش استقلال طلبانه عیسی بن‌شیخ (م. ۲۵۶ق) در شام؛^۷ به قدرت رسیدن نیروهای استقلال طلب مانند: طاهریان در خراسان (حک: ۲۵۹-۲۰۵ق)، صفاریان در سیستان (حک: ۲۵۴-۲۹۰ق)، طولونیان در مصر (حک: ۲۵۴-۲۹۲ق)،

۱. معتمد عباسی (ح: ۲۵۶-۲۷۹ق) در حوایج مهم و شرایط خاص، آن حضرت را به کمک می‌طلبید. (ابن‌شهر آشوب، مناقب آل‌ابطالب، ج ۴، ص ۴۳۰) خلیفه خطاب به جعفر، برادر امام عسکری علیه السلام، هنگامی که از وی درخواست اعطای مقام برادرش را داشت، گفت: مقام برادرت به دست ما نبود که از جانب خداوند بود و با وجود تلاش فراوان ما در پایین آوردن منزلت برادرت، او به خاطر علم و عبادت مداوم، بر نفوذش افزوده می‌شد. (ابن‌بابویه، کمال‌الدین و تمام‌النعمة، ج ۲، ص ۴۷۹)
۲. عبیدالله بن خاقان (م. ۲۶۳ق)، امام را به جهت فضل، دانش، اخلاق پسندیده، خویشتن‌داری و زهد و عبادت و اخلاق پسندیده و نیکی‌هایش، سزاوار خلافت دانست. (ابن‌بابویه، کمال‌الدین و تمام‌النعمة، ج ۱، ص ۴۱-۴۲؛ کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۵۰۳)
۳. بختیشوع (م. ۲۷۹ق)، پزشک مسیحی ویژه دستگاه خلافت و معاصر امام عسکری علیه السلام، در باره حضرت به شاگرد خود چنین گفت: «بدان که او داناترین فرد روزگار ماست که بر روی زمین زندگی می‌کند. مبادا در انجام دستوراتش تخلف ورزی یا اهمال کنی.» (قطب‌الدین راوندی، الخرائج والجرائح، ج ۱، ص ۴۲۲)
۴. رد و تصحیح تفکر ایجادشده توسط یعقوب بن‌اسحاق کندی، فیلسوف مشهور عراق (۱۸۵- حدود ۲۵۲ق) (ابن‌شهر آشوب، مناقب آل‌ابطالب، ج ۴، ص ۴۲۴) و رفع فتنه مسیحیان هنگام بحران خشکسالی (اربلی، کشف‌الغمة، ج ۲، ص ۴۲۹)، نمونه‌هایی از این موارد است.
۵. این شورش، در زمان خلافت مهتدی (ح: ۲۵۵-۲۵۶ق) برپا بود و در دوران خلافت معتمد سرکوب شد. (ابن‌اثیر، الکامل، ج ۷، ص ۱۷۴)
۶. از مهم‌ترین قیام‌های خوارج در عصر عباسیان. (مسعودی، مروج‌الذهب، ج ۴، ص ۱۰۸)
۷. شیخ، پدر عیسی در دوره معتز (ح: ۲۵۲-۲۵۵ق)، امیر فلسطین و اردن بود. پس از درگذشت وی، عیسی دمشق را تصرف کرد و از پرداخت مالیات خودداری نمود و درصدد تصرف شام و مصر بود. این شورش نیز توسط خلیفه سرکوب شد. (ابن‌اثیر، الکامل، ج ۷، ص ۲۳۸)





علویان در طبرستان (حک: ۲۵۰-۳۱۶ق) و قیام‌های علویان مانند قیام علی بن زید بن حسین (م. ۲۵۷ق) در کوفه، قیام احمد بن محمد بن عبدالله (م. ۲۵۵ق) و ابراهیم بن محمد بن یحیی معروف به ابن صوفی در مصر (م. ۲۵۹ق)؛^۱ تهدیدهای حکومت روم و جنگ‌های میان رزمندگان مسلمان و روم شرقی.^۲

عدم تأیید و بهره‌برداری سیاسی از شورش‌ها و قیام‌های مختلف، حتی اگر موجب تضعیف خلافت عباسی گردد، از آنجا که در پوشش مذهب، برخلاف مبانی اسلام، سطحی و زودگذر بود و رهاوردی جز تفرقه نداشت، مورد تأیید امام قرار نگرفت؛ زیرا در این زمان، مردم خسته از فشار ظلم و بی‌عدالتی با دستمایه کردن برخی آیات و روایات و ایجاد تشکلهای سیاسی در قالب مذهب و فرقه، شورش‌هایی را سامان دادند. بنابراین، با وجود غاصبانه بودن خلافت و آسیب و فشار حکومت بر امام، شرایط سیاسی - اجتماعی جامعه، قیام مسلحانه نه تنها مشکلی را حل نمی‌کرد، بلکه شرایط را بدتر می‌نمود. در نتیجه، امام از فضای موجود در جامعه، مصادره به مطلوب ننمود و با توجه به وجوب اصل امت‌گرایی، با خلفا واگرایی نداشت و از هیچ‌یک از قیام‌ها و شورش‌ها حمایتی ننمود.

احضار امام عسکری علیه السلام به سامرا و اعمال محدودیت نسبت به ایشان،^۳ زندانی شدن‌های مکرر^۴ و اجبار حضرت به اعلام حضور خود به دارالخلافه در هر دوشنبه و پنج‌شنبه،^۵ نمونه‌ای از تلاش خلفا برای به چالش کشیدن مقام ایشان در جامعه است؛ اما حضرت هیچ‌گاه اقدام اعتراضی نشان نداده، بلکه ملایمت با حاکمیت را به نمایش گذارد که اصلی‌ترین دستاورد آن، از بین بردن زمینه هرگونه سوء استفاده و تأکید بر وحدت بود. حضرت با وجود اعتقاد به محق بودن خود برای خلافت و عدم استحقاق عباسیان، قیام علیه نظام حاکم را در آن شرایط روا نمی‌دید؛ زیرا پیروزی برای آن متصور نبود. غرض امام در مواجهه با عباسیان،

۱. همان، ص ۵۳، ۱۲۶، ۲۳۸ و ۲۶۳؛ اصفهانی، مقاتل الطالبیین، ص ۵۲۸ و ۵۳۶.

۲. ابن اثیر، الكامل، ج ۷، ص ۲۰۵ و ۳۳۶.

۳. طبری، تاریخ الطبری، ج ۹، ص ۱۶۳؛ یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۴۸۴.

۴. قطب‌الدین راوندی، الخرائج والجرائح، ج ۲، ص ۶۸۲.

۵. طوسی، الغیبة، ص ۲۱۵؛ ابن شهر آشوب، مناقب آل ابيطالب، ج ۴، ص ۴۳۴.





توجه دادن مردم به عدم صلاحیت عباسیان برای خلافت و ضرورت لزوم انحصار خلافت در اهل بیت علیهم السلام بود؛ به طوری که می فرمود:

«ما را در کتاب خدا حقی است و با رسول خدا خویشاوندی است و خدا ما را

پاک شمرده و هیچ کس غیر از ما نمی تواند ادعای چنین مقامی را کند؛ مگر اینکه دروغ پرداز باشد.»^۱

آن حضرت در مورد درخواست خلیفه از ایشان مبنی بر ضرورت پاسخگویی به شبهه ایجاد شده توسط مسیحیان در ماجرای حلّ مشکل خشکسالی، به جهت اولویت حفظ کلیت امت اسلام بر هر مهمّ دیگری، کوتاهی نورزید.^۲ البته حضرت در مقاطع مختلف از کج روی و انحراف عباسیان انتقاد می نمود و ائمه علیهم السلام را به عنوان کسانی که شایسته جانشینی رسول خدا صلی الله علیه و آله هستند، معرفی می کرد.^۳

۳. ایجاد همبستگی و گفتمان درونی مسلمانان بر اساس اصول مشترک اسلامی

امام عسکری علیه السلام، قرآن و سنت رسول الله صلی الله علیه و آله را از الزام های تحقق امت گرایی دانسته و در مسائل مورد اختلاف مسلمانان با استناد به این دو محور اعتقادی، سعی در رفع تضادها داشت. با توجه به وجود اختلافات کلامی در زمان امام عسکری علیه السلام، به ویژه حول محور توحید،^۴ ایشان با تلمیح به شماری از آیات قرآنی، از مسلمانان خواست از چهارچوب قرآن در باره خداوند فراتر نروند. حضرت در این مورد، به آیات سوم و چهارم سوره اخلاص و یازدهم سوره شوری استناد نمود.^۵ استناد امام به این آیات، از آن روست که در حقیقت، آیات

۱. حرانی، تحف العقول، ص ۸۹۱.

۲. قطب الدین راوندی، الخرائج والجرائح، ج ۱، ص ۴۴۱.

۳. کلینی، الکافی، ج ۷، ص ۸۵؛ حرانی، تحف العقول، ص ۸۹۱.

۴. در این زمان، گروهی از مسلمانان در برخورد با آن دسته از متون دینی که به جنبه های جسمانی اشاره و ابهام دارد، به تشبیه گرفتار آمدند و صفات خدا را به صفات آفریدگان تشبیه نمودند. (صابری، تاریخ فرق اسلامی، ج ۱، ص ۸۶-۸۸) اندیشه تشبیه، نخست در صفوف گروهی از اهل حدیث که با عنوان «حشویه» شناخته می شدند، رخ نمود و سپس از آنان به دیگر گروه ها، اعم از گروه های شیعه و سنی سرایت کرد. (شهرستانی، الملل والنحل، ج ۱، ص ۹۲ و ۹۳) مسئله امکان رؤیت خدا در دنیا و آخرت از سوی اهل سنت (ابن حنبل، متن اصول السنّة، ص ۴ و ۵؛ نجمی، سیری در صحیحین، ص ۱۶۸) و ردّ این امکان از سوی امامیه (کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۹۵ و ۹۷؛ ابن بابویه، التوحید، ص ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۹، ۲۳۰ و ۲۳۱)، از موضوعات پرتشش این دوره بود که روشنگری در این حوزه را می طلبید.

۵. ابن بابویه، التوحید، ص ۱۰۱ و ۱۰۲.





فوق‌الذکر پایه اصلی شناخت تمام صفات خداوند می‌باشد و بدون توجه به آن، به هیچ‌یک از اوصاف پروردگار نمی‌توان پی‌برد؛ زیرا خطرناک‌ترین پرتگاهی که بر سر راه پویندگان طریق «معرفت‌الله» قرار دارد، همان پرتگاه «تشبیه» است که خدا را در وصفی از اوصاف، شبیه مخلوقاتش بدانند. این امر، سبب می‌شود که به درّه شرک سقوط کنند.^۱ تکیه امام بر قرآن و بهره‌گیری بجا و به‌موقع از آن، به‌عنوان یکی از اصول سیاسی و فرهنگی آن حضرت، برای ترسیم دورنمای مطلوب وحدت بوده است.

استناد به منابع مورد اتفاق مسلمانان، یعنی قرآن و روایات رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم احترام به فرق و مذاهب اسلامی، در راستای امت‌گرایی است؛ زیرا توجه و تأکید بر دو محور مشترک مقدس، راه هرگونه مخالفت و مقاومت را از سوی عامه مردم می‌بست و زمینه پذیرش آن و تجلی وحدت را فراهم می‌نمود. امام عسکری علیه السلام در روایتی دیگر که آن را منسوب به پدران خود و از ایشان به رسول‌الله صلی الله علیه و آله و سلم و جبرئیل و در نهایت خدا عنوان کرد، اقرار به توحید و یگانگی خداوند را داخل شدن در حصار خدا و اسباب ایمنی از عذاب معرفی نمود.^۲ امام با نقل این روایت، به تصحیح و تبیین مسئله توحید پرداخت و با هدایت افکار عمومی به سمت وسوی اشتراکات اعتقادی محترم نزد همه مسلمانان، زمینه را برای تحقق امت واحد فراهم ساخت.

۴. امامت، عامل وحدت امت

امام عسکری علیه السلام، در نامه‌ای به اسحاق بن اسماعیل نیشابوری (م. نامشخص)،^۳ در اهمیت مقام امامت چنین استدلال نمود که هرکس از این دنیا کور بیرون رود، در آخرت هم کور و گمراه‌تر است و مقصود خود را از این نایبایی، کوری دل‌هایی دانست که درون سینه‌هاست و با استناد به آیات ۱۲۵ و ۱۲۶ سوره طه، نایبایی حقیقی را به فراموشی سپردن نشانه‌های خدا عنوان کرد و نشانه بزرگ خداوند بر آفریدگانش را حجت خدا معرفی نمود.^۴ ایشان، با تأکید بر اهمیت و ضرورت

۱. مکارم شیرازی، برگزیده تفسیر نمونه، ج ۴، ص ۳۳۰.

۲. اربلی، کشف الغمّة، ج ۲، ص ۴۰۳ و ۴۰۴.

۳. از اصحاب ثقه امام عسکری علیه السلام. (طوسی، رجال الطوسی، ص ۳۹۷)

۴. حرانی، تحف العقول، ص ۸۸۳-۸۸۵.





اصل امامت، به وجوب ولایت بر مردم اشاره نمود و آن را همسنگ واجبات دین مانند نماز و زکات برشمرد.^۱ حضرت در این نامه، رسول خدا ﷺ و ائمه اطهار را دری گشوده شده از سوی خداوند برای فهم واجبات و کلیدی برای سعادت معرفی نمود که مردم بدون وجود ایشان، همچون چهارپایان سرگردان اند.^۲ آن حضرت همچنین، به اهمیت موضوع امامت الهی می پردازد و آن را هم ردیف واجباتی مانند نماز و زکات معرفی نمود.

بنابراین، وجود امام در جامعه، موجب وحدت و استحکام امت می گردد و اهمیت آن بر امت همین بس که مانند اهمیت واجبات است. بدین سان، اصل امامت به معنای هدایت خلق به سوی خداوند و تدبیری الهی برای جلوگیری از پیدایش حرکت های واگرایانه در امت است. اهمیت این رکن هدایتگر امت اسلامی، به حدی است که آن حضرت با استناد به آیه سوم سوره مائده، تعیین امام بعد از پیامبر را ممتی از سوی خداوند دانست و آن را عامل تکمله دین معرفی نمود.^۳ در این تبیین، ولایت و امامت امام، مهم ترین عامل در یکپارچگی امت دانسته شده است.

۵. تحریم بدعت گذاران

جریان صوفیه،^۴ از جمله جریان های فکری زمانه امام عسکری علیه السلام بود. برخی از گروه های تصوف، ریشه های التقاطی داشته که از آموزه های نوافلاطونیان و نحله های معنوی مسیحی و حتی شبه عرفان های هندی و شرقی وام گرفته است.^۵ برخی صوفیان با نمایاندن چهره های زاهد، عارف و خداپرست، در اماکن مقدسی چون مسجد گرد هم می آمدند و به تلقین اذکار

۱. همان، ص ۸۱۴ و ۸۱۵.

۲. همان.

۳. همان.

۴. واژه «تصوف» از «صوف» و به معنای «پشمینه پوشی»، به عنوان نمادی از زندگی سخت و دوری از تن پروری می باشد. (غنی، تاریخ تصوف در اسلام، ص ۴۵) تصوف، یک مذهب خاص و منظم نیست؛ بلکه یک طریقه التقاطی است که از به هم آمیختن افکار گوناگون به وجود آمده است و طی قرون و اعصار با مقتضیات و شرایط و افکار هر دوره تغییر شکل می دهد. (عمیدزنجانی، تحقیق و بررسی در تاریخ تصوف، ص ۱۵۹)

۵. مطهری، آشنایی با علوم اسلامی، ص ۸۴.





و او را با حالتی خاص می‌پرداختند؛ به گونه‌ای که مردم با دیدن حالت آنها می‌پنداشتند با پرهیزکارترین افراد روبه‌رو هستند و تحت تأثیر رفتارهای آنان قرار می‌گرفتند. با توجه به آثار مخرب این اندیشه، امام عسکری علیه السلام خطر این گروه را گوشزد کرده، از ارتباط با آنان برحذر می‌داشت و آنان را مورد نقد و انکار قرار داد. از منظر امام، از قول جدش امام صادق علیه السلام (م. ۱۴۸ق)، ابوهاشم کوفی (م. قرن دوم هجری) بنیان‌گذار فرقه‌ای از صوفیه را شخصی فاسدالعقیده توصیف نمود که فرقه‌ای از تصوف را بدعت گذارد و صوفیگری را مفتری برای باور خویش قرار داد.^۱ بنابراین از دید امام، صوفیان آن دوره، واگرایانی بودند که پایه‌های دین را سست می‌کردند.

نماد تفکر متصوفه در عصر امام عسکری علیه السلام، احمد بن هلال (م. ۲۶۷ق)^۲ بود که با صوفی‌گری و خودنمایی، جمعی را فریفت و به بدبینی و واگرایی در امت منجر شد. با اینکه عده‌ای می‌خواستند او را درستکار معرفی کرده و پنجاه و چهار مرتبه عزیمت او با پای پیاده به حج را شاهد این ادعا می‌دانستند، اما حضرت با قاطعیت به نمایندگانش در عراق چنین نگاهت: «از این صوفی ریاکار و متظاهر، دوری کنید.»^۳ جمعی، قاسم بن علاء (م. ۳۰۴ق)^۴ را نزد امام فرستادند، تا بلکه امام در مورد وی تجدیدنظر کند؛ اما حضرت ضمن اعلام بیزاری از او، حکم خود در مورد وی را تکرار نمود.^۵ امام در روایتی دیگر، به نقل از ابوهاشم جعفری (م. ۲۶۱ق)،^۶ اندیشه صوفیه عصر خود را رد کرد و ضمن گفتاری که به منزله بیانی‌ه‌ای برای پیروانش در اعصار بعدی است، ضمن هشدار در مورد طریقت

۱. حمیری، قرب الأسناد، ص ۴۳.

۲. ابتدا از اصحاب امام هادی علیه السلام و امام عسکری علیه السلام بود؛ ولی به دلیل خلاف‌هایی که مرتکب شد، مورد لعن امام عسکری علیه السلام قرار گرفت. کشی روایت می‌کند او عالمی برجسته و عارفی متقی بوده است. (کشی، رجال الکشی، ص ۵۳۵) شیخ طوسی نیز او را وابسته به آیین غلات می‌داند. (طوسی، فهرست کتب الشیعة، ص ۸۳) البته از او به عنوان «صوفی» نیز یاد شده است. (مامقانی، تنقیح المقال فی علم الرجال، ج ۱، ص ۹۹-۱۰۰؛ کشی، رجال الکشی، ص ۸۳۵)

۳. کشی، رجال الکشی (اختیار معرفة الرجال)، ج ۲، ص ۸۱۶.

۴. تھے، جلیل القدر و از راویان ائمه علیهم السلام. (طوسی، رجال الطوسی، ص ۴۳۶)

۵. کشی، رجال الکشی (اختیار معرفة الرجال)، ج ۲، ص ۸۱۶.

۶. تھے و دارای منزلت نزد ائمه علیهم السلام. (نجاشی، رجال النجاشی، ص ۱۵۶)





صوفیان در بستن راه سعادت و حقیقت بر مؤمنان، مسلمانان را در حفظ دین و ایمان خویش از ایشان برحذر داشت.^۱ دیدگاه امام، نه مبارزه با علوم و فلسفه، بلکه مخالفت با اندیشه‌های تک‌بعدی و ناپخته وارداتی بود که منجر به ایجاد تحریف در ماهیت دین، مذهب و واگرایی در امت می‌گردیدند.

۶. نفی خشونت‌گرایی

از مهم‌ترین قیام‌ها در عصر عباسیان، شورش علی بن محمد (م. ۲۷۰ق)^۲ مشهور به صاحب الزنج بود. وی که مدعی انتساب به خاندان ابوطالب بود، در بصره ظهور کرد.^۳ مسعودی می‌نویسد: بیشتر افراد معتقدند صاحب الزنج نسب خاندان ابوطالب را به دروغ به خود بسته بود و اعمالش نشان می‌داد که طالبی بودنش مشکوک است و عقیده خوارج ازارقه را داشت.^۴ جنگ عباسیان با او و هوادارانش، چهارده سال طول کشید و درنهایت، به دست برادر خلیفه، موفق عباسی (م. ۲۲۸ق) ریشه‌کن شد.^۵ شورش صاحب الزنج، منجر به کشتار مسلمانان و غارت اموال ایشان^۶ شده بود. از این رو، امام عسکری علیه السلام با عدم تأیید قیام وی، تلاش داشت تا شیعیان را از گرفتار شدن در فتنه او برهاند؛ چه اینکه اعمال نسنجیده او، سبب افزایش سختگیری حکومت نسبت به شیعیان، بدگمانی عامه مردم به اهل بیت علیهم السلام و شیعیان، و در نتیجه، تفرقه در امت اسلامی شده بود.

امام عسکری علیه السلام در پاسخ نامه‌ای که جویای نظر ایشان در باره صاحب الزنج شده بود، نوشت: «صاحب الزنج، از ما اهل بیت نیست.»^۷ آنچه در این کلام امام روشن است، انکار انتساب عملکرد و آرای صاحب الزنج به اهل بیت علیهم السلام است. ردّ صاحب الزنج به واقع تأیید و تقویت ضمنی حکومت عباسی بود؛ چراکه صاحب الزنج دشمن عباسیان بود و امام او و

۱. نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۳۸۰.

۲. مسعودی، التنبيه والاشراف، ص ۳۵۵.

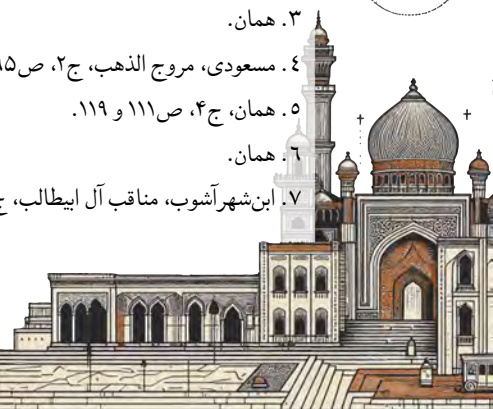
۳. همان.

۴. مسعودی، مروج الذهب، ج ۲، ص ۵۹۵.

۵. همان، ج ۴، ص ۱۱۱ و ۱۱۹.

۶. همان.

۷. ابن شهر آشوب، مناقب آل ابيطالب، ج ۴، ص ۴۲۹؛ اربلی، كشف الغمة، ج ۲، ص ۴۲۴.





عملکردش را رد کرد. پس، منظور امام، تأمین امنیت جامعه است که در آن برهه زمانی، متولیان این امر حکومت بود. بنابراین، گرچه اعتراض‌ها و شورش‌ها واکنش طبیعی به برخی سیاست‌های دستگاه حاکمه است، اما بروز و ظهور آن تحت رهبری ظالمی دیگر و به شیوه‌های نامشروع، زمینه‌ساز از بین رفتن بنیان‌های وحدت و امت‌گرایی بود.

۷. براءت از غالیان

برخی ادعاهای غالیان، به‌ویژه ادعای الوهیت رسول خدا ﷺ و ائمه علیهم السلام، در تضاد با مهم‌ترین اصول اعتقادات اسلامی بود.^۱ مروّجان این تفکر با ادعای دوستی یا نمایندگی از اهل بیت علیهم السلام، باورهای کفرآمیز و اباحه‌گرایانه خود را عرضه می‌داشتند. جایگاه برخی از رهبران ایشان در میان شیعیان و همچنین ادعاهای گزاف ایشان در خصوص اهل بیت علیهم السلام در کنار تکلیف‌گریزی و اباحه‌گرایی، باعث رواج اندیشه ایشان در میان مسلمانان، به‌ویژه شیعیان شده بود. این باورها، اصول اعتقادی اسلامی را هدف قرار داده و در مرحله بعد، طیف وسیعی از مناقشه‌های مذهبی و اعتقادی را در میان مسلمانان دامن می‌زد. از این رو، مبارزه با عقاید غلات و روشنگری در خصوص ایشان، یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های ائمه علیهم السلام بود و امام حسن عسکری علیهم السلام نیز از دوروش برای مبارزه با ایشان سود جست:

الف. روش روشنگری

امام عسکری علیهم السلام در مرحله اول مواجهه با غلات، از روشنگری در قالب معرفی ائمه علیهم السلام بهره برد. آن حضرت در دیدار با ادریس بن زیاد کفرتوثایی (م. نامشخص)^۲ که در خصوص ائمه غلو می‌نمود، فرمود:

«يَا اِدْرِيسُ «بَلْ عِبَادٌ مُّكْرَمُونَ لَا يَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَ هُمْ بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ»^۳»^۴

۱. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۱۱-۱۳.

۲. تقه و از کسانی که اصحاب امام صادق علیهم السلام را درک نموده و از ایشان روایت کرده است.

(نجاشی، رجال النجاشی، ص ۱۰۳)

۳. انبیاء، آیه ۲۶-۲۷.

۴. ابن شهر آشوب، مناقب آل ابیطالب، ج ۴، ص ۴۲۸.



حضرت در این بیان، ائمه علیهم السلام را بندگان محترم و عاملان به اوامر الهی معرفی نموده و سبقت بر خداوند را بر ایشان جایز نمی‌شمارد.

امام عسکری علیه السلام از سویی، الوهیت و ربوبیت و علم غیب ذاتی ائمه علیهم السلام را نفی و خود را بنده خدا معرفی کرده‌اند و از سویی دیگر، تلاش داشت که اوصاف و فضایل ائمه علیهم السلام مورد تجاهل، انکار و تکذیب واقع نگردد.^۱ در ملاقاتی که امام عسکری علیه السلام با نماینده‌ای از مفوضه^۲ داشت، در باره این گروه فرمود:

«مفوضه دروغ گفته‌اند؛ دل‌های ما ظرف مشیت‌های الهی است. پس اگر او بخواهد، ما می‌خواهیم. خدا می‌فرماید: و تا پروردگار جهان نخواهد، [شما نیز] نخواهید خواست»^۳.

امام عسکری علیه السلام عقیده تفویض را نادرست معرفی کرد و تأکید نمود که این امر، به مشیت الهی است. هر آنچه را رسول خدا و ائمه اراده کنند، مورد تأیید الهی خواهد بود و این، معنای تفویض است. روشنگری آن حضرت در مورد حد و حدود مقام پیامبر و امام، بسیاری از تصورات در مورد مقام و موقعیت ائمه علیهم السلام را تصحیح کرد و از سویی، زمینه جذب افرادی را که مخالف غلو در مقام ائمه بودند، فراهم نمود و از سویی دیگر، سبب رفع شبهات ایجادشده در مقام ائمه علیهم السلام، وحدت اعتقادی شیعیان و در مقیاسی بزرگ‌تر، نزدیکی و وحدت باورهای اعتقادی امت اسلامی گردید.

ب. روش دفعی

ردّ قاطعانه غلات، از دیگر روش‌های حضرت در مواجهه با ایشان بود. حضرت در روش دفعی، حتی از طلب رحمت برای درگذشتگان از غالیان خودداری می‌نمود؛ به‌عنوان نمونه،

۱. در آیات ۲۶ و ۲۷ سوره جن، علم غیب ذاتی از تمام بندگان، حتی پیامبر و ائمه، نفی شده است؛ ولی افاضه این علم از سوی خدا به برخی از بندگان را که خود می‌پسندد، به‌صراحت بیان شده است.

۲. مفوضه، به‌عنوان بخشی از غالیان در مورد ادعای تفویض، به سخنی از امام علی علیه السلام استناد می‌کردند که در نامه‌ای به معاویه (م. ۶۰ق) فرمود: «فَإِنَّا صَنَعْنَا رِبًّا وَ التَّائِبُ بَعْدَ صَنَائِهِ لَنَا». (علی علیه السلام، نهج البلاغه، ص ۳۷۴) درحالی‌که واژه «صنائع» در این حدیث، به معنای پرورش‌یافته و برگزیده است. (مکارم شیرازی، ترجمه گویا و شرح فشرده‌ای بر نهج البلاغه، ج ۳، ص ۴۹) مقصود از تفویض از دیدگاه شیعه، آن است که پیامبر صلی الله علیه و آله و بعد از ایشان ائمه علیهم السلام، مسئول تبلیغ احکام و بیان حلال و حرام هستند. (کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۲۶۵-۲۶۸)

۳. تکویر، آیه ۲۹.

۴. طوسی، الغیبه، ص ۲۴۷؛ قطب‌الدین راوندی، الخرائج والجرائح، ج ۱، ص ۴۵۸.





یکی از شیعیان طی نامه‌ای از حضرت خواست تا برای والدینش دعا کند؛ درحالی‌که که پدرش مؤمن و مادرش از غالیان بود. امام در جواب نوشت: «رَجِمَ اللَّهُ وَالِدَكَ...»^۱ یعنی از دعا برای مادر سؤال‌کننده پرهیز نمود.

از دیگر روش‌های دفعی، لعن غلات بود. امام عسکری علیه السلام عروقه بن یحیی (م. نامشخص)^۲ و احمد بن هلال (م. ۲۶۷ق) را مورد لعن قرار داد.^۳ غلات، باورها و اصول اعتقادات اسلامی را زیر پا گذاشته و مطابق هوای نفس یا درک اشتباه خود از معارف شیعی، به گمراهی شیعیان و ایجاد اختلاف بین مسلمانان همت می‌گماشتند. در روایتی از امام رضا علیه السلام (ش. ۲۰۳ق)، علت لعن و نفرین غالیان، پرهیز دادن اصحاب از ارتباط با ایشان و واداشتن اصحاب به برائت از غالیان بیان شده است.^۴ این اظهار برائت که شدیدترین مرحله آن در لعن بروز می‌یافت، هم موجب صیانت از باورهای اسلامی و هم جلوگیری از گمراه شدن شیعیان و تشتت و اختلاف در میان مسلمانان می‌نمود.

نتیجه‌گیری

اگرچه امام عسکری علیه السلام موفق نشد که همه مسلمانان را به درکی صحیح و مشترک از امت‌گرایی رهنمون سازد، اما پیامد تلاش آن حضرت در تفهیم الزام‌های تحقق این فرایند، ارائه‌الگوی در گستره ملل اسلامی در اعصار مختلف است. آن حضرت با تأکید بر اصول اساسی و حیاتی مانند: محبت و مدارا، عدم تقابل عملی با خلفا و پرهیز از اقدام واگرایانه در برابر آنان، ایجاد همبستگی و گفت‌وگو درونی مسلمانان بر اساس اصول مشترک، یعنی قرآن و سنت و ضرورت پیروی از دستورهای آن در نیل به وحدت، تأکید داشت.

محوریت امامت الهی در ایده تمدن‌ساز امت‌گرایی امام عسکری علیه السلام، عامل قابل توجه در یکپارچگی و تداوم امت است. آن حضرت با تحریم جریان‌های نوظهور بدعت‌گرا مانند

۱. اربلی، کشف الغمّة، ج ۲، ص ۴۲۶.

۲. او را عروقه الوکیل، عروقه الدهقان و عروقه النخاس نیز گفته‌اند. شیخ طوسی او را جزو اصحاب امام عسکری علیه السلام آورده است. (طوسی، رجال الطوسی، ص ۴۰۰) عروقه، خزانه‌دار امام بود؛ تا آنکه حضرت او را لعن کرد و از وی اظهار بیزارى نمود تا مردم به سخنانش گوش ندهند (کشی، رجال الکشی، ص ۵۷۳ و ۵۷۴)

۳. همان، ص ۵۷۳ و ۵۳۵.

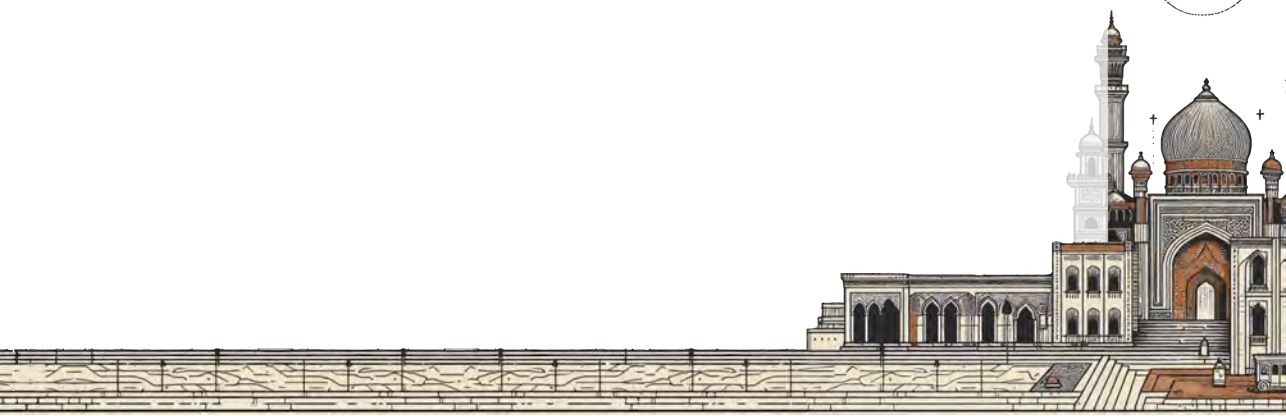
۴. همان، ص ۵۵۴.





برخی از گروه‌های صوفیه، مسلمانان را از پیوستن به این جریان‌های منحرف برحذر داشت. آن حضرت خشونت در اعتراض به سیاست‌های دستگاه حاکمه را به دلیل تعارض با امنیت، از موانع همگرایی در جامعه معرفی کرد. از آنجا که غالبان شیعی راه را برای دشمنان در تهمت و مخالفت با شیعه هموار کردند، افشاگری، طرد و لعن برخی از آنان در دستور کار قرار گرفت؛ تا با شفاف‌سازی ماهیت و اعلام عدم مقبولیت این جریان نزد اهل بیت علیهم‌السلام، ضمن رفع سوءتفاهم و بدگمانی‌ها در امت، زمینه همبستگی و انسجام نظری و اجتماعی فراهم گردد؛ هرچند اگر باورهای غالبانه ضرری به اتحاد هم نمی‌زد، حضرت با آن برخورد می‌کرد؛ چون شرک‌آلود بودند.

بدین‌سان، رفتارهای واگرایانه جریان‌های اسلامی، نشان از عدم آگاهی و فقدان درک درست از ماهیت دین و سیره ائمه علیهم‌السلام دارد. سیره و مواضع امام عسکری علیه‌السلام، بیانگر توجه ویژه بر صیانت از میراث اسلامی، خویش‌داری، عدم فرصت‌طلبی‌های فرقه‌ای و سیاسی و پرهیز حداکثری از واگرایی داشت و در عمل، نقش مؤثری در امت‌گرایی و ایجاد انسجام اجتماعی و بلوغ تمدنی مذاهب و طبقات مختلف جامعه اسلامی ایفا کرد.





منابع

قرآن کریم.

ابن حنبل، ابوعبدالله احمد بن محمد، ۱۴۱۶ق، مسند الإمام احمد بن حنبل، محقق: احمد محمد شاکر، الطبعة الأولى، القاهرة: دار الحديث.

ابن حنبل، ابوعبدالله احمد بن محمد، ۱۴۳۶ق، متن اصول السنّة، بروایة: عبدوس بن مالک، المعتمد من معهد میراث نبوی، الطبعة الأولى، السعودية: جامعة ام القرى.

ابن بابویه، محمد بن علی، ۱۳۹۵، کمال الدین و تمام النعمة، چاپ دوم، تهران: اسلامیه.

ابن بابویه، محمد بن علی، ۱۳۹۸، التوحید، تحقیق: سید هاشم حسینی طهرانی، چاپ اول، قم: جامعه مدرسین.

اربلی، علی بن عیسی، ۱۳۸۱، کشف الغمة فی معرفة الائمة، تحقیق: هاشم رسولی محلاتی، چاپ اول، تبریز: بنی هاشمی.

ابن شهر آشوب، محمد، ۱۳۷۹، مناقب آل ابی طالب، چاپ اول، قم: علامه.

ابن اثیر، عزالدین ابوالحسن، ۱۳۸۵، الکامل، بی جا، بیروت: دار صادر.

ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۴ق، لسان العرب، چاپ سوم، بیروت: دار الفکر.

احمدی، ظهیر، ۱۳۸۸، «مفهوم‌شناسی امت در قرآن و اجتماع»، پژوهشنامه علوم و معارف قرآن کریم، شماره ۲.

اصفهان‌ی، ابوالفرج، بی تا، مقاتل الطالبیین، بی جا، بیروت: دار المعرفة.

پاکتچی، احمد، ۱۳۷۲، «اهل سنت و جماعت» در دائرة المعارف بزرگ اسلامی، زیر نظر: کاظم موسوی بجنوردی، چاپ اول، تهران: مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی.

جوهری، اسماعیل بن حماد، ۱۴۰۷ق، الصحاح؛ تاج اللغة و صحاح العربية، چاپ چهارم، بیروت: دار العلم.

جمشیدی، محمد حسین، ۱۳۸۴ش، «چیستی و ماهیت وحدت و همبستگی در لنديشه امام خمینی علیه السلام»، پژوهشنامه متین، شماره ۲۷.

جعفری، محمد تقی، ۱۳۷۵، استراتژی وحدت در اندیشه سیاسی اسلام، چاپ اول، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.

حرانی، ابو محمد، ۱۳۸۵، تحف العقول عن آل الرسول ﷺ، ترجمه: صادق حسن‌زاده، چاپ پنجم، قم: آل علی.

حمیری، عبدالله بن جعفر، ۱۳۷۱، قرب الاسناد، جلد ۱، بی جا، قم: مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث.

حسن بن علی علیه السلام، ۱۴۰۹ق، التفسیر المنسوب إلى الإمام الحسن العسکری علیه السلام، چاپ اول، قم: مدرسه الإمام المهدي علیه السلام.

خاتمی، احمد، ۱۳۷۰، فرهنگ علم کلام، چاپ اول، تهران: صبا.

شهرستانی، محمد بن عبدالکریم، بی تا، الملل والنحل، تحقیق: محمد سید گیلانی، بی جا، بیروت: دار المعرفة.

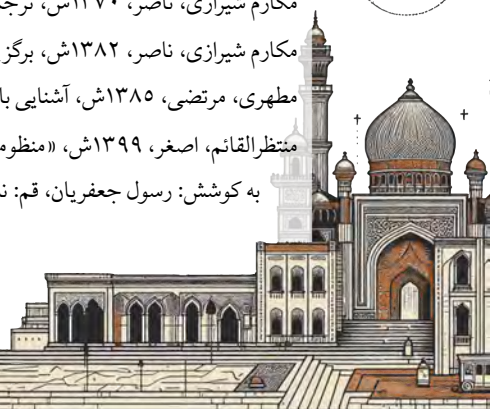
شریعتی، علی، ۱۳۸۳، فرهنگ لغات، چاپ چهارم، تهران: انتشارات قلم.

صابری، حسین، ۱۳۸۶، تاریخ فرق اسلامی، چاپ سوم، تهران: سمت.





- طوسی، محمدبن حسن، ۱۴۱۱ق، الغيبة، چاپ اول، قم: دار المعارف الإسلامية.
- طوسی، محمدبن حسن، ۱۳۷۳، رجال الطوسی، مصحح: جواد قیومی اصفهانی، چاپ سوم، قم: مؤسسة النشر الإسلامی التابعة لجامعة المدرسين بقم المقدسة.
- طوسی، محمدبن حسن، ۱۴۲۰ق، فهرست کتب الشيعة وأصولهم وأسماء المصنفين وأصحاب الأصول، تصحيح: عبدالعزيز طباطبائي، چاپ اول، قم: مكتبة المحقق الطباطبائي.
- طبری، محمدبن جریر، ۱۳۸۷، تاریخ الطبری (تاریخ الأمم والملوک)، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، الطبعة الثانية، بیروت: دار التراث.
- طیبی، محمدجواد، بی تا، با خورشید سامرا، ترجمه: عباس جلالی، بی جا، اصفهان: مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه.
- علی بن ابیطالب (علیه السلام)، ۱۳۸۲، نهج البلاغه، ترجمه: محمد دشتی، چاپ اول، قم: مسجد جمکران.
- عمید زنجانی، عباسعلی، ۱۳۶۷، تحقیق و بررسی در تاریخ تصوف، چاپ اول، تهران: اسلامیه.
- غنی، قاسم، ۱۳۸۰، تاریخ تصوف در اسلام، چاپ اول، تهران: زوار.
- غمامی، محمد مهدی، ۱۳۹۱ش، «قدرت نرم نظم، اساس جمهوری اسلامی ایران در تحقق آرمان وحدت اسلامی»، فصلنامه مطالعات قدرت نرم، سال دوم، شماره ۶.
- قطب الدین راوندی، سعید بن هبة الله، ۱۴۰۹ق، الخرائج والجرائح، چاپ اول، قم: مؤسسه امام مهدی.
- کشی، محمد بن عمر، ۱۴۰۹ق، رجال الکشی، چاپ اول، مشهد: دانشگاه مشهد.
- کشی، محمد بن عمر، ۱۳۶۳، رجال الکشی (اختیار معرفة الرجال)، تصحيح: مهدی رجایی، چاپ اول، قم: مؤسسة آل البيت.
- کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷ق، الکافی، چاپ چهارم، تهران: دار الکتب الإسلامية.
- لویی گارده، ت. لیف، ۱۳۵۲، اسلام: دین و امت، ترجمه: رضا مشایخی، چاپ اول، تهران: انتشار.
- مامقانی، عبدالله، بی تا، تنقیح المقال فی علم الرجال، بی جا، نجف: المطبعة المرتضوی.
- مسعودی، علی بن الحسین، ۱۴۰۹ق، مروج الذهب، چاپ دوم، قم: دار الهجرة.
- مسعودی، علی بن الحسین، ۱۳۶۵، التنبیه والاشراف، ترجمه: ابوالقاسم پاینده، چاپ دوم، تهران: علمی و فرهنگی.
- مسعودی، علی بن الحسین، ۱۴۲۶ق، اثبات الوصیة، چاپ سوم، قم: انصاریان.
- مفید، محمد بن محمد بن نعمان، ۱۴۱۳ق، الإرشاد، چاپ اول، قم: کنگره شیخ مفید.
- مفید، محمد بن محمد بن نعمان، ۱۴۱۴ق، تصحيح اعتقادات الإمامیة، مصحح: حسین درگاهی، چاپ دوم، قم: کنگره شیخ مفید.
- مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۰ش، ترجمه گویا و شرح فشرده ای بر نهج البلاغه، چاپ اول، قم: مطبوعاتی هدف.
- مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۸۲ش، برگزیده تفسیر نمونه، چاپ سیزدهم، تهران: دار الکتب الإسلامية.
- مطهری، مرتضی، ۱۳۸۵ش، آشنایی با علوم اسلامی (کلام، عرفان و حکمت عملی)، جلد ۲، چاپ اول، قم: صدرا.
- منظرالقائم، اصغر، ۱۳۹۹ش، «منظومه فکری امیر مؤمنان در فرایند امت گزایی در نهج البلاغه»، مجموعه هادی نامه، به کوشش: رسول جعفریان، قم: نشر مورخ.





نجاشی، احمد بن علی، ۱۳۶۵، رجال النجاشی، چاپ ششم، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
نوری، حسین بن محمد تقی، ۱۴۰۸ق، مستدرک الوسائل ومستنبط المسائل، چاپ اول، قم: مؤسسه آل البيت.
نجمی، محمد صادق، ۱۳۶۱، سیری در صحیحین، چاپ چهارم، خوی.
یعقوبی، ابن واضح، بی تا، تاریخ یعقوبی، بیروت: دار صادر.

Shacht, joseph, 1978, *Bosworth, ce, the legacy of Islam*, oxford university press.





References

Holy Quran.

Ibn Hanbal, A. A. A. M. (1995). *Masnad al-Imam Ahmad bin Hanbal* (Ed. Ahmad Mohammad Shaker, 1st ed.). Cairo: Dar al-Hadith.

Ibn Hanbal, A. A. A. M. (2014). *Text of principles of Sunnat* (Ed. Abdus bin Malek, 1st ed.). Al-Saud: Jame'eh Omm al-Qor'a.

Ibn Babouyeh, M. B. A. (2015). *Kamal al-din and tamam al-ne'mah* (2nd ed.). Tehran: Eslamiyeh.

Ibn Babuyeh, M. B. A. (2018). *Al-towhid* (Ed: Seyed Hashim Hosseini Tehrani, 1st ed.). Qom: Jame'eh Modaresin.

Erbali, A. B. E. (2002). *Kashf al-qamamah fi marefat al-aemmah* (Ed. Hashem Rasouli Mahalati, 1st ed.). Tabriz: Bani Hashemi.

Ibn Shahrashub, M. (2000). *Manaqeb Al e- Abi Taleb* (1st ed.). Qom: Allameh.

Ibn Athir, E. A. H. (2006). *Al-Kamel*. Beirut: Dar Sader.

Ibn Manzoor, M. I. M. (1993). *Lasan al-Arab* (3rd ed.). Beirut: Dar al-Fekr.

Ahmadi, Z. (2018). The concept of nation in Qur'an and community. *Research Journal of Sciences and Education of the Holy Qur'an*, No. 2.

Esfahani, A. F. (n.d.). *Maqatel al-talebin*. Beirut: Dar al-Marefah.

Paktachi, A. (1993). Ahl e-Sunnat va Jama'at. In *The Great Islamic Encyclopedia* (Ed. Kazem Mousavi Bojnurdi, 1st ed.). Tehran: Center of the Great Islamic Encyclopedia.

Johri, I. I. H. (1986). *Al-sehah; Taj al-loqat va sehah al-Arabiyyah* (4th ed.). Beirut: Dar al-Elm.

Jamshidi, M. H. (2005). What and how of unity and solidarity in the thought of Imam Khomeini. *Matin Research Journal*, No. 27.

Jafari, M. T. (1996). *Unity strategy in Islamic political thought* (1st ed.). Qom: Islamic Propaganda Office.

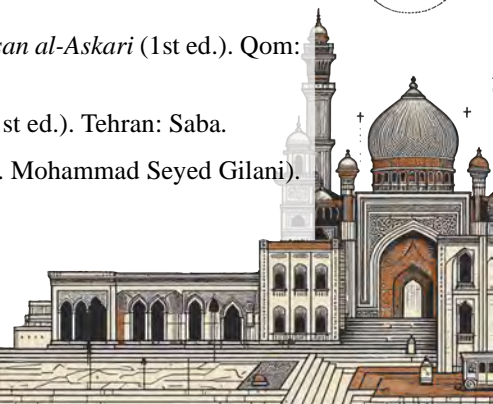
Harrani, A. M. (2006). *Tohaf al-oqoul an al-rasoul* (Sadeq Hassanzadeh, Trans., 5th ed.). Qom: Al-e-Ali.

Hamiri, A. I. J. (1992). *Qorb al-asnad* (Vol. 1). Qom: Al-al-Bayt Le Ehya al-Torath Institute.

H. I. A. (1988). *Al-tafsir al-mansoob ela al-Imam al-Hasan al-Askari* (1st ed.). Qom: Al-Imam al-Mahdi School.

Khatami, A. (1991). *Dictionary of science of theology* (1st ed.). Tehran: Saba.

Shahrasthani, M. I. A. K. (n.d.). *Al-melal va al-nahl* (Ed. Mohammad Seyed Gilani). Beirut: Dar al-Marefah.





- Shariati, A. (2004). *Dictionary* (4th ed.). Tehran: Qalam Publications.
- Saberi, H. (2007). *History of Islamic sects* (3rd ed.). Tehran: SAMT.
- Tusi, M. I. H. (1990). *Al-qeibah* (1st ed.). Qom: Dar al-Maaref al-Eslamiyah.
- Tusi, M. I. H. (1994). *Rejal al-tusi* (Ed. Javad Qayumi Esfahani, 3rd ed.). Qom: Jameat al-Modarresin.
- Tusi, M. I. H. (1999). *List of Shi'ah books and their principles, Asma'al-Masnafin va ashab al-osul* (Ed. Abdolaziz Tabataba'i, 1st ed.). Qom: Maktab al-Mohaqq al-Tabatabai.
- Tabari, M. I. J. (2008). *Tarikh al-tabari (history of the nations and the monarchs)* (Ed. Mohammad Abolfazl Ebrahim, 2nd ed.). Beirut: Dar al-Torath.
- Tabasi, M. J. (n.d.). *Along with the sun of Samara* (Abbas Jalali, Trans.). Isfahan: Qaemiyeh Computer Research Center.
- Ali ibn Abi Talib (A.S.). (2003). *Nahjol-Balagheh* (Mohammad Dashti, Trans., 1st ed.). Qom: Jamkaran Mosque.
- Omid Zanjani, A. A. (1988). *Investigation of the history of Sufism* (1st ed.). Tehran: Eslamiyeh.
- Ghani, Q. (2001). *History of Sufism in Islam* (1st ed.). Tehran: Zovar.
- Ghamami, M. M. (2013). The soft power of order, the basis of the Islamic Republic of Iran in realizing the Ideal of Islamic unity. *Soft Power Studies Quarterly*, 2(6).
- Qotboddin Rawandi, S. I. H. (1988). *Al-kharaej va al-jaraeh* (1st ed.). Qom: Imam Mahdi Institute.
- Kashi, M. I. O. (1988). *Rejal al-kashi* (1st ed.). Mashhad: University of Mashhad.
- Kashi, M. I. O. (1984). *Rejal al-kashi (Ekhtiyar Marefat al-Rejal)* (Ed. Mahdi Rajae, 1st ed.). Qom: Al-al-Bait Institute.
- Koleini, M. B. Y. (1986). *Al-kafi* (4th ed.). Tehran: Dar al-Kotob al-Eslamiyah.
- Louis Garde, T. L. (1973). *Islam: religion and nation* (Reza Mashayekhi, Trans., 1st ed.). Tehran: Enteshar.
- Mamqani, A. (n.d.). *Tanqih al-maqal fi elm al-rejal*. Najaf: Mortazavi Publications.
- Masoudi, A. I. H. (1988). *Morawej al-Dhahb* (2nd ed.). Qom: Dar al-Hejrah.
- Masoudi, A. I. H. (1365). *Al-tanbih va al-ashraf* (Abolqasem Payandeh, Trans., 2nd ed.). Tehran: Elmi Farhangi.
- Masoudi, A. I. H. (2005). *Esbat al-Wasiyah* (3rd ed.). Qom: Ansari.
- Mofid, M. I. M. I. N. (1992). *Al-Ershad* (1st ed.). Qom: Sheikh Mofid Congress.
- Mofid, M. I. M. I. N. (1993). *Correction of Imamiyeh Beliefs* (Ed. Hossein Dargahi, 2nd ed.). Qom: Sheikh Mofid Congress.





- Makarem Shirazi, N. (1991). *Clear translation and a compact commentary on Nahjol-Balagheh* (1st ed.). Qom: Hadaf.
- Makarem Shirazi, N. (2003). *Selection of Tafsir Nemuneh* (13th ed.). Tehran: Dar al-Kotob al-Eslamiyah.
- Motahari, M. (2006). *Familiarity with Islamic sciences (theology, mysticism and practical wisdom)* (Vol. 2, 1st ed.). Qom: Sadra.
- Montazer al-Qaem, A. (2018). The intellectual system of Amir Momenan in the process of nationalism in NahjolBalagheh. In *Hadinameh collection* (Ed. Rasul Jafarian). Qom: Movarrek Publications.
- Najashi, A. I. A. (1986). *Rejal al-Najashi* (6th ed.). Qom: Nashar al-Eslami Institute.
- Nouri, H. I. M. T. (1987). *Mostadrak al-Wasael va Mostanbet al-Masael* (1st ed.). Qom: Al-al-Bayt Institute.
- Najmi, M. S. (1982). *A survey of Sahihin* (4th ed.). Khoy: (n.p.).
- Ya'qoubi, I. W. (n.d.). *Tarikh al-Ya'qoubi*. Beirut: Dar Sader.
- Shacht, J. (1978). *The legacy of Islam*. Bosworth, C. E., Oxford University Press.

